

چرا مشکلات بسیاری در این جهان خاکی وجود دارد؟

کجا می‌توانم برای مشکلات زندگی‌ام راهی پیدا کنم؟

پس از اینکه بمیرم چه اتفاقی برای من خواهد افتاد؟

من کی هستم و چرا به دنیا آمده‌ام؟

هدف زندگی من چیست؟

کتاب مقدس در این رابطه چه می‌گوید؟



السنن برای
ترجمه‌ها

مشکل

نقشه خدا

و عده خدا

قدرت خدا

هدف ما

برای دریافت اطلاعات بیشتر با ما تماس بگیرید

<https://www.connectthenations.com>

<https://www.talkenglishprogram.com>

Sponsored by Snow Educational Resource Associates, LLC



۵: ۱-۲، ۸، ۱۰: ۹-۱۷، افسسیان ۲: ۴-۱۰، کولسیان ۲: ۱۱-۱۵)

اگر چه عیسی ما را در حالی که گناهکار هستیم نجات می‌دهد، اما ما را در گناهانمان رها نمی‌کند! با غوطه‌ور شدن تمام بدن ما در آب، عیسی ما را با خون خود می‌شوید، گناهان ما را برای همیشه دفن می‌کند و ما را به زندگی جدیدی در پیروی از او برمی‌خیزاند. به همین دلیل است که ایمانداران جدید به سوی آب‌های تعمید می‌دویند! همان‌طور که عیسی برای گناهان ما مرد و در جلال برخاست، ما نیز در زندگی قدیمی گناه‌لود و خودخواهانه خود می‌میریم و زندگی جدید خود را از طریق تعمید به عیسی تقدیم می‌کنیم. اکنون که به او اعتماد داریم، تعالیم، برنامه‌ها، رویاها و اهداف او را برای زندگی‌مان می‌پذیریم و از صمیم قلب به عنوان خداوند و نجات‌دهنده‌مان به او خدمت می‌کنیم. در همه این‌ها، عیسی واقعاً به ما زندگی جدیدی می‌دهد و هر روز بیشتر شبیه او می‌شویم. (یوحنا ۸: ۳۱-۳۲، اعمال ۲۲: ۱۶، رومیان ۶: ۱-۱۰، یعقوب ۱: ۲۲-۲۵، اول پطرس ۳: ۲۰-۲۱، اول یوحنا ۳: ۲-۶، ۳: ۱-۱۰)

عیسی همچنین ما را از ترس، احساس گناه و شرم اجتماعی آزاد می‌کند زیرا اکنون می‌دانیم که خدا ما را دوست دارد و ما را نزد خود می‌پذیرد و برای همیشه از آسیب روحانی محافظت می‌کند. به همین دلیل، ما می‌توانیم در آرامش قدم بگذاریم زیرا پدرمان همیشه مراقب زندگی‌های ماست و بهترین کار را برای ما انجام می‌دهد. کتاب مقدس می‌گوید که یک روز این جهان به پایان خواهد رسید. در آن زمان، شیطان، ارواح شیطانی و همه کسانی که به دنبال شریر هستند، به تاریکی و مجازات فرستاده خواهند شد، جایی که محبت و فیض خدا دیگر وجود ندارد. اما کسانی که از گناهان خود باز می‌گردند و تا پایان از عیسی پیروی می‌کنند، با او در بهشت سلطنت خواهند کرد، خدا را پرستش خواهند کرد و ابدیت را با خانواده روحانی خود در شادی سپری خواهند کرد. (یوحنا ۱۴: ۲، اعمال ۵: ۲۷-۲۹، رومیان ۲: ۸، ۴: ۱-۲۸، عبرانیان ۱۰: ۱۹-۳۱، اول یوحنا ۴: ۱۸، مکاشفه ۲۰: ۲۲)

هدف ما

از آنجا که بخشیده شده‌ایم، با زندگی‌ای از پرستش، خدمت و محبت به عیسی در کنار دیگر ایمانداران جشن می‌گیریم. اکنون برای او زندگی می‌کنیم، نه برای خودمان. برای محبت کردن، خدمت کردن و بخشیدن دیگران زندگی می‌کنیم، همان‌طور که ما محبت و بخشش را دریافت کرده‌ایم. از طریق دعا، خواندن کلام او، یادگیری و تمرین تعالیمش، اعتراف به گناهانمان نزد خدا و یکدیگر، و نوری از گناه وقتی که در تقلا هستیم، به عیسی نزدیک می‌شویم. کلیسا جایی است که فرزندان خدا به احترام بازگردانده و احیا می‌شوند. به همین دلیل، می‌توانیم از آدانه گناهان خود را نزد خدا و یکدیگر اعتراف کنیم تا دریافت حقایق و هدایت خدا را تجربه کنیم، یاد بگیریم که چگونه تعالیم عیسی را به کار ببریم و دروغ‌های شیطان را تشخیص دهیم. در همه این‌ها، عیسی را به خاطر محبت، فیض، کارهای شگفت‌انگیز و معجزاتش در زندگی‌مان ستایش می‌کنیم و این پیام محبت، بخشش و قدرت را از طریق عیسی با ملت‌ها به اشتراک می‌گذاریم. اکنون می‌توانیم جهان خود را با آزاد کردن مردم از کارهای شیطان تغییر دهیم! خداوند به ما می‌گوید که به عنوان پیروانش همان‌طور عیسی رنج کشید، ما نیز چیزهای زیادی را تحمل خواهیم کرد. اما کسانی که تا پایان به عیسی وفادار بمانند، وارد زندگی ابدی پر از آرامش، آزادی و محبت خواهند شد. (متی ۱۸: ۲۱-۳۵، متی ۱۸: ۲۸-۲۰، یوحنا ۱: ۱۵-۱۷، اعمال ۲: ۴۲-۴۷، رومیان ۸: ۱۷-۱۸، عبرانیان ۱۰: ۲۴-۲۵، مکاشفه ۱۷: ۱۴)

بوده، در ضعف‌هایمان دلسوز ما است. همه کسانی که از پسر خدا پیروی می‌کنند، هویت جدیدی دریافت می‌کنند: پسران و دختران خدا، برادران و خواهران عیسی که با هم برابر هستند، بدون توجه به نژاد، طبقه اجتماعی، ظاهر، شغل، مهارت، ثروت، تحصیلات، نام یا موقعیت با هم برابر هستند. وقتی به عیسی ایمان می‌آوریم، او نیز ما را با خود برمی‌خیزاند و در جایگاه آسمانی در کنار خود می‌نشانند. عیسی وقتی که با ایمان به نام او دعا می‌کنیم، از روح القدس پیروی می‌کنیم و از حقایق کلام خدا به عنوان راهنمای خود استفاده می‌کنیم، به ما بر جهان روحانی و بر گناه اقتدار می‌دهد و عیسی به ما و کلیسایش هر برکت روحانی را که برای انجام کارش در جهان داشت، می‌دهد. عیسی به ما به عنوان پیروانش گفت که کارهای بزرگتر از آنچه او انجام داد، انجام خواهیم داد زیرا او روح القدس خود را در هر یک از ما قرار داده است. این عیسی را خوشحال می‌کند که این هدایا را به ما بدهد تا نام او را در میان ملت‌ها جلال دهیم! روح القدس او نیز ما را تقویت می‌کند تا از پدر اطاعت کنیم و همه چیزهایی را که عیسی آموخت، به ما یادآوری می‌کند، تا بتوانیم تا پایان با وفاداری از او پیروی کنیم. (متی ۲۶: ۶۴، یوحنا ۱۴: ۱۵-۱۷، اعمال ۵: ۵۶، غلاطیان ۳: ۲۸، افسسیان ۳: ۱-۱۸، ۲۳: ۲، ۶: ۱۹-۲۲، عبرانیان ۲: ۱۴-۱۸، ۴: ۱۵-۱۶)

از آنجا که ما هنوز انسان هستیم و عیسی نیستیم، هنوز هم گناه خواهیم کرد. اما اکنون، قدرت داریم که در ایمان، اطاعت و وفاداری به خداوند و نجات‌دهنده‌مان رشد کنیم، همان‌طور که به رابطه خود با او از طریق دعا، خواندن و اطاعت از کلام و گوش دادن به روح القدس ادامه می‌دهیم. ما همچنین با روابط عمیق با برادران و خواهرانمان تقویت می‌شویم، همان‌طور که گناهان خود را به یکدیگر اعتراف می‌کنیم، برای یکدیگر دعا می‌کنیم و یکدیگر را با شهادت‌هایمان و کلام خدا تشویق می‌کنیم. وقتی که خداوند را پرستش می‌کنیم، قربانی او را به یاد می‌آوریم و قلب‌های خود را در طول یک وعده عشای ربانی بررسی می‌کنیم، در کلیسا خدمت می‌کنیم، به دیگران خدمت می‌کنیم و محبت و پیام عیسی را در سراسر جهان به اشتراک می‌گذاریم، ایمان و قدرت بیشتری از روح دریافت می‌کنیم. تمامی این‌ها نام او را جلال می‌دهد. هیچ زندگی‌ای بزرگتر از زندگی‌ای پر از قدرت و جلال عیسی مسیح نیست! (اول قرنتیان ۱۱: ۲۳-۲۴، افسسیان ۶: ۱۰-۱۸، یعقوب ۵: ۱۶، اول یوحنا ۱: ۵-۸)

و عده خدا

و عده خدا این است که هر کس که به پسرش برای نجات ایمان آورد و از تعالیم او پیروی کند، نجات خواهد یافت. ایمان به عیسی نه تنها از شنیدن پیام او، بلکه از قدم گذاشتن به سوی راه زندگی او به دست می‌آید. امروز، ما می‌توانیم این ایمان را با خواندن کلام خدا، کتاب مقدس، باور کردن و پیروی از آنچه می‌خوانیم، و تقلید از زندگی عیسی مسیح تجربه کنیم. وقتی به عیسی به عنوان نجات‌دهنده ایمان می‌آوریم، او را به عنوان خداوند زندگی‌مان می‌پذیریم، به بخشش او اعتماد می‌کنیم و از تمایل خود به گناه دوری می‌کنیم، خدا همه گناهان ما را می‌بخشد و وعده زندگی ابدی با او در بهشت را به ما می‌دهد. این وعده فوری است و با توافق ما با برنامه و هدف عیسی برای زندگی‌مان آغاز می‌شود. در واقع، عیسی ما را در حالی که هنوز در گناهانمان مرده‌ایم، نجات می‌دهد. او منتظر نمی‌ماند تا زندگی‌مان را پاک کنیم و سپس ما را نجات دهد. او ما را در گناهانمان نجات می‌دهد، تا نجات او از طریق فیض محبت‌آمیزش، ایمان ما به قدرت او برای نجات، و تمایل صادقانه ما برای پیروی از او به دلیل محبت و قربانی بزرگش برای ما باشد. (لوقا ۱۵: ۱۱-۳۲، رومیان ۳: ۲۱-۲۶،

خواهد کرد. اسرائیل به عنوان پسر ناکامل خدا نیز نمادی فیزیکی از هر دوی، عیسی، پسر کامل خدا، و تمام فرزندان ناکامل خدا، یهودی و غیریهودی بود. این فرزندان روزی از طریق قربانی عیسی پاک می‌شدند و قلب‌های خود را به سوی خدا باز می‌گردانند. (مزمور ۶: ۷، میکاه ۵: ۲-۴، اشعیا ۷: ۱۴، ۹: ۶، ۱۰: ۲۲، ۵۲: ۱۳-۱۵، ۵۳: ۱-۱۲، رومیان ۹: ۱-۹، ۲۵-۲۶، ۳۰-۳۳، ۱۰: ۱-۴، ۱۱: ۵-۶، ۲۲-۲۶)

پس چگونه عیسی پسر خداست؟ کتاب مقدس می‌گوید که عیسی در واقع کلام زنده خدا یا صدای او بود که به شکل انسان درآمد. این همان صدایی بود که جهان را آفرید. به این ترتیب، عیسی در واقع خدا بود، او کلام گفته شده خدا به شکل انسان بود. از آنجا که تنها خدا می‌تواند گناهان را ببخشد و پرداخت کامل برای تمام گناهان علیه خود را فراهم کند، قربانی شدن خود خدا مجازات گناه و مرگ ابدی را که در انتظار فرزندان بود، برای همیشه برداشت. با این یک قربانی کامل و مقدس، هیچ قربانی دیگری برای گناه لازم نبود. بها به طور کامل در عیسی پرداخت شد و قدرت گناه و مرگ روحانی برای کسانی که او را دنبال می‌کنند، نابود شد. (یوشع ۷: ۲۰، دوم سموئیل ۱۲: ۱۳، مزمور ۵۱: ۴، یوحنا ۱: ۱-۱۴، ۲۹، ۸: ۵۴-۵۸، ۱۴: ۱۱-۱۳، عبرانیان ۱: ۱-۳، ۱۰: ۱-۱۴، ۱۷، مکاشفه ۱۹: ۱۳)

عیسی از طریق رستاخیز خود از مردگان، خود را به عنوان خدا نشان داد. او به درخواست رهبران یهودی که به عیسی اعتقاد نداشتند و از اقتدار او حسادت می‌کردند و توسط رهبران رومی، مورد ضرب و شتم، شلاق و شکنجه قرار گرفت و بر روی صلیب کشته شد. پس از شش ساعت ماندن بر روی صلیب، عیسی مرده اعلام شد و دفن شد. پس از سه روز ماندن در قبر، او از مردگان برخاست و خود را به بیش از پانصد نفر نشان داد. بسیاری از کسانی که عیسی زنده را دیدند، به خاطر ادعای خود شکنجه شدند، که نشان‌دهنده اطمینان آن‌ها به چیزی بود که دیده و شنیده بودند. از طریق رنج عیسی، خدا محبت ابدی خود را به ما و اشتیاقش برای بازگرداندن ما به خود را ثابت کرد. (متی ۲۷: ۱۱-۶۵، ۲۸: ۱-۲۰ یوحنا ۳: ۱۶، ۱۲: ۱۰-۱۱، ۱۷-۱۹، اول قرنتیان ۱۵: ۶)

از طریق وفاداری کامل پسر به پدر، یاد می‌گیریم که چگونه به جای خودمان برای خدا زندگی کنیم، چگونه نام او را گرامی بداریم و جلال دهیم، و چگونه در یک رابطه روزانه با او قدم بگذاریم. یاد می‌گیریم که چگونه خدا را در هر زمینه‌ای از زندگی‌مان دوست داشته باشیم، اطاعت کنیم و به او اعتماد کنیم، حتی در میان رنج، همان‌طور که عیسی رنج کشید. از طریق کلمات عیسی، می‌توانیم در درک خود از خدا و هویتی که به ما داده است، رشد کنیم. همچنین با مطالعه و تمرین تعالیم عیسی، حکمت برای زندگی و روابط به دست می‌آوریم. عیسی همچنین محبت خود به مردم و قدرت الهی خود بر شیطان را از طریق اعمالش نشان داد—وقتی بیماران را شفا داد، مردگان را زنده کرد، ارواح شیطانی را از مردم بیرون کرد، مردم را بخشید و آن‌ها را از گناهانشان نجات داد. از طریق زندگی عیسی، ما نیز می‌توانیم یاد بگیریم که چگونه مردم را دوست داشته باشیم و آن‌ها را از گناه، بیماری، دروغ‌های شیطان و مرگ آزاد کنیم. (متی ۸: ۱۶-۱۷، ۱۷: ۹-۱-۸، مرقس ۱: ۲۱-۲۷، یوحنا ۵: ۱۶-۴۷، ۹: ۱-۴۱، ۱۱: ۱-۴۵، ۱۲: ۴۹-۵۰)

قدرت خدا

عیسی اکنون بر تخت نشسته و در دست راست خدا قرار دارد، استعاره‌ای یهودی که به این معنا است که عیسی تمام اقتدار را برای داوری و نجات بشریت دریافت کرده است. از آنجا که او یک انسان

استانداردهای اجتماعی و رقابت می‌شویم. گناهان و انتخاب‌های ما شروع به آسیب زدن به روابط ما با مردم و خدا می‌کنند. در همه این‌ها، گناه ما را برای همیشه از پدر مهربانمان جدا می‌کند، زیرا با گناه کردن، بارها و بارها انتخاب می‌کنیم که به جای خدا، چیز دیگری یا شخص دیگری را دوست داشته باشیم، احترام بگذاریم و پیروی کنیم. اگر با خودمان صادق باشیم، شرم و فاصله خود از پدرمان و احساس نیازمان به بازگشت به او را تشخیص می‌دهیم. از آنجا که خدا ابدیت را در قلب هر انسان قرار داده است، ممکن است به جای زندگی‌ای که به روابط شکسته، شرم، خشم، بی‌احترامی و مرگ منجر می‌شود، میل خود به زندگی ابدی، نیازمان به محبت خدا و اشتیاق به زندگی‌ای که او را گرامی می‌دارد را احساس کنیم، با این حال، بدون خدا، از نظر روحانی بی‌قدرت و مرده هستیم، و این برنامه خدا برای ما نیست. حتی پس از همه راه‌هایی که علیه او گناه کرده‌ایم و به دنیای شکسته‌ای که در آن زندگی می‌کنیم کمک کرده‌ایم، باز هم پدرمان هنوز ما را دوست دارد و مشتاق است که ما را برای همیشه نزد خود بازگرداند. (جامعه ۳: ۱۱، اشعیا ۵۹: ۲، یوحنا ۸: ۳۴-۳۵، رومیان ۶: ۱۷-۲۳)

نقشه خدا

برنامه محبت‌آمیز خدا برای ما در کتاب مقدس یافت می‌شود. کتاب مقدس به دو بخش تقسیم شده است: عهد عتیق و عهد جدید. عهد عتیق بین سال‌های ۱۵۰۰ تا ۴۰۰ قبل از میلاد نوشته شده است و شامل داستان‌های قوم خدا، مجموعه اولیه قوانین خدا، دعا‌های قوم یهود و بیش از ۳۰۰ پیش‌گویی درباره اسرائیل و نجات‌دهنده یا همان مسیح موعود است که انسان را از مشکل گناه نجات خواهد داد. عهد جدید در طول زندگی بزرگسالی دوستان و اولین پیروان عیسی مسیح نوشته شده است و شامل داستان‌های عیسی مسیح، داستان‌ها و نوشته‌های اولین پیروانش، تاریخ کلیسای اولیه، تعالیم عیسی و تحقق تمام پیش‌گویی‌های عهد عتیق درباره نجات‌دهنده آینده است. این پیش‌گویی‌ها در طول ۴۰۰ سال نوشته شده و در عرض ۲۰۰ سال قبل از تولد عیسی حفظ شده‌اند، و تمام شواهد باستان‌شناسی ثابت می‌کند که عیسی همان مسیح موعود است.

عهد عتیق از برنامه خدا برای داشتن قومی خاص، قوم یهودی به نام اسرائیل، سخن می‌گوید. اسرائیل به عنوان فرزندان خدا شناخته می‌شد و همه با هم "پسر" خدا نامیده می‌شدند. آن‌ها برای این متولد شده بودند که قومی کاملاً وقف خدای پدر باشند. برای ایجاد این وفاداری، خدا قوانینی برای فرزندان ارابه داد و قربانی‌هایی را به عنوان پرداخت برای گناهان آن‌ها تعیین کرد. اما هر فرد، حتی انبیا، نتوانستند قانون و شریعت را به طور کامل رعایت کنند و در وفاداری خود شکست خوردند. این موضوع خدا و رابطه آن‌ها با او را بی‌احترام نمود. داستان عهد عتیق نشان می‌دهد که انسان چقدر به خدا نیاز دارد تا او را از گناه نجات دهد. ما مشاهده می‌کنیم که انسان نمی‌تواند به تنهایی بر گناه غلبه کند یا احترامی را که خدا سزاوار آن است، خودش بازگرداند، زیرا انسان‌ها به رغم تمام تلاش‌شان برای کامل بودن، همچنان گناه می‌کنند و به خدا بی‌احترامی می‌کنند. حتی مجازات خدا نیز در فرزندان عدالت ایجاد نکرد. بدون کمک الهی او، مجازات ابدی خارج از بهشت تنها سرنوشت آن‌ها بود. (ارمیا ۳۱: ۹، هوشع ۱۱: ۱)

در عهد جدید، برنامه خدا برای جهان ما را کشف می‌کنیم: فرستادن یک نجات‌دهنده، پسر کامل و وفادارش عیسی مسیح، تا بر روی صلیب برای گناهان ما قربانی شود و گناه و شرم ما را بپوشاند. از طریق داستان عیسی، شروع به دیدن این موضوع می‌کنیم که قربانی‌های حیوانی پیشین پسرش عیسی را به عنوان آخرین پرداخت برای گناهان تمام فرزندان پدر عهد عتیق نمادهایی فیزیکی بودند از اینکه خدا چگونه روزی قربانی

مشکل

کتاب مقدس می‌گوید که خدا تمام آفرینش را از طریق کلام قدرتمند خود آفرید و همه چیزهایی که او آفرید، خوب بود. او اولین مرد و زن، آدم و حوا، را به عنوان فرزندان شریف و بی‌گناه خدا آفرید و آن‌ها را در باغی زیبا قرار داد. آن‌ها هر روز با خدا راه می‌رفتند و از هیچ چیز نمی‌ترسیدند. با این حال، خدا به فرزندانش هشدار داد که هرگز از میوه درخت شناخت خوب و بد نخورند. از آنجا که خدا فرزندان را ناکامل آفریده بود، می‌دانست که با این دانش، آن‌ها شرارت را انتخاب خواهند کرد. حتی اگر مجازات گناه علیه خدا مرگ روحانی و جسمانی بود، خدا به فرزندان حق انتخاب از اطاعت از کلام خود را داد. با این فرصت، روح شریر به نام شیطان آمد تا فرزندان خدا را وسوسه کند و به آن‌ها وعده داد که اگر از آن درخت بخورند، خدا آن‌ها را مجازات نخواهد کرد، زیرا مانند خدا خواهند شد و خوب و بد را خواهند شناخت. آدم و حوا به دروغ‌های شیطان اعتماد کردند، به قضاوت خود تکیه کردند و از میوه آن درخت خوردند.

در باغ میوه دیگری از درختی به نام درخت زندگی وجود داشت که به آدم و حوا و تمام بشریت پس از آن‌ها اجازه می‌داد تا زندگی ابدی داشته باشند. بنابراین، خدا بلافاصله آدم و حوا را از باغ بیرون کرد تا بشریت را از زندگی ابدی در گناه محافظت کند. در حالی که آدم و حوا هنوز تحت مراقبت خدا زندگی می‌کردند، وارد دنیای گناه و مرگ شدند. با این حال، خدا برای بازگرداندن فرزندان به سوی خود برنامه داشت، او تصمیم داشت تا آن‌ها را از گناه پاک کند و برای همیشه با آن‌ها زندگی کند و این داستان کتاب مقدس است. (پیدایش ۱-۳، ارمیا ۳: ۱۹، رومیان ۶: ۲۳)

مانند آدم و حوا، ما نیز گناه کرده‌ایم و به جای اینکه از خدا اطاعت کنیم، راه و افتخار و جلال خود را خواسته‌ایم. در برخی از لحظات زندگی‌مان، همه ما انتخاب کرده‌ایم که چیز دیگری یا شخص دیگری را به عنوان خدای خود دنبال کنیم، و به جای اینکه برای خدا زندگی کنیم، برای خودمان، روابط، عشق، دوستان، خانواده، تحصیل، کار یا تعطیلات زندگی کنیم. شاید ما انتخاب کرده‌ایم که برای مذهب، ابزارهای ارتباط جمعی، بدن‌مان، لذت، خواب یا گناه زندگی کنیم. ممکن است طبیعت، حیوانات، ارواح، مجسمه‌ها، بت‌ها، یک شخص یا حتی خودمان را پرستیده باشیم. شاید جامعه، قدرت، شهرت یا دنیا برای ما مهم‌تر از خدا شده است. همه ما کارهای خوبی انجام داده‌ایم، اما همه ما زندگی‌ای گناه‌آلود و جدا از خدا داشته‌ایم. گناه شامل دروغ، نادرستی، ناپاکی، شهوت، بی‌اخلاقی جنسی، نفرت، تفرقه، پیش‌داوری، خشم، ناسزا گفتن، فخر فروشی، غرور، تکبر، عدم بخشش، غیبت، طمع، خودخواهی، سرکشی، مستی، افراط و بت‌پرستی است. بت‌پرستی یعنی احترام گذاشتن به هر کس یا هر چیزی بالاتر از خدا، حتی خودمان، و شامل روی آوردن به بت‌ها، طلسم‌ها، خدایان یا طبیعت برای قدرت، محافظت یا دانشی است که فقط از آن خداست. همه ما به دروغ‌های شیطان اعتماد کرده‌ایم که این چیزها می‌توانند شادی، افتخار، ارزش، جلال، زیبایی، خوشبختی، زندگی بهتر، پول و حتی قدرت را برای ما به ارمغان آورند. همه به جای اینکه برای افتخار و ارزش‌های خدا زندگی کنیم، بخشی از زندگی‌مان را برای چیزهایی که برایمان ارزشمند است زندگی کرده‌ایم. در همه این‌ها، ما نیز به راه‌های شیطان روی آورده‌ایم، بدون اینکه حتی منبع باورهای خود را درک کنیم. (رومان ۳: ۲۳، غلاطیان ۱۹: ۱۹-۲۱، افسسیان ۴: ۲۵-۳۲، مکاشفه ۲۱: ۲۷ و ۲۲: ۱۵)

همان‌طور که به گناه و غرور ادامه می‌دهیم، از تجربه کامل محبت، برنامه‌ها، هدف و جهت‌گیری خدا برای زندگی‌مان باز می‌مانیم. بدون قدرت و هدایت خدا، برده گناه، افتخار به خود، ترس، شرم،